

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران، میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترت

سه‌شنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۳

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۲۴ • اذان صبح فردا ۵:۰۶ • طلوع آفتاب ۶:۳۱

دغدغه‌های‌طبیپانه

نه به فیلترینگ:

یک مطالبه ملی



عبدالرضاانصاحمصدقی

متخصص مغز و اعصاب

یوتیوب یک دانشگاه عظیم است؛ بزرگ‌ترین دانشگاه‌ها برای آموختن، می‌توان در آن به مجموعه عظیمی از سخنرانی‌ها و دانسته‌های استادانی دست یافت که بدون چنین اپلیکیشنی عملا به دست آوردن این اطلاعات آن‌هم بدین شکل غیرممکن است. در کمترین زمان و با کمترین هزینه، حجم بالایی از اطلاعات نصیبمان می‌شود و دانش ما را به شکل قابل توجهی افزایش می‌دهد. اما من که دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران هستم و باید به دانشجویان و دستیارانم درس بدهم، نمی‌توانم از یوتیوب استفاده کنم؛ چون به دلایل واهی در کشور ما فیلتر است. گاه احساس می‌کنم در مملکت ما آنچه مهم نیست همین آموختن و یادگرفتن است و اگر چیزی کمترین تهدیدی برای گروهی خاص محسوب شود، باید فیلتر و از دسترسی مردم و اندیشمندان جامعه به آن جلوگیری شود. پس من برای اینکه علم خود را افزایش دهم، به بیمارانم بهتر برسیم و به دانشجویانم آموزش دهم، باید در مملکتم فیلترشکن نصب کنم تا بعد از تقلاهای بسیار بتوانم از یوتیوب و سخنرانی‌های بهترین استادان دنیا استفاده کنم. بسیاری از اپلیکیشن‌های مورد نیازم را نمی‌توانم نصب کنم. بسیاری از آنها در کشور من ممنوع هستند درحالی‌که من از تمام آنها برای افزایش دانش خود و آموزش بهتر به دانشجویانم و نیز درمان بهتر بیمارانم باید استفاده کنم. حتی اپلیکیشنی چون گوگل‌پلی که برای نصب سایر اپلیکیشن‌ها ضروری است نیز در مملکت من فیلتر است.



همین اندک نشان می‌دهد فیلترینگ چه عواقب بدی می‌تواند هم برای علم و هم برای درمان بیماران در کشورمان داشته باشد. حال می‌توان جنبه‌های تخریبی دیگری را نیز به این موضوع اضافه کرد: از تاثیر بسیار بر کسب‌وکار مردم، از جلوگیری از جریان انتقال اطلاعات و در نهایت از آسیب‌پذیرکردن امنیت کشور با ایجاد فضایی مطلوب برای هکرها و خیلی از موارد دیگر که کارشناسان مربوطه عنوان می‌کنند. با این همه، به نظر می‌رسد دولت جدید علی‌رغم قول‌هایی که داده بود هنوز عزم جدی در رفع فیلترینگ ندارد. هنوز باید فیلترشکن‌ها نصب شوند و عده‌ای از نوب آنها سود کلانی ببرند و هنوز عده‌ای اندک باید برای مردم ما تعیین‌تکلیف کرده و آنها را از حقوق ابتدایی خود محروم کنند.

رفع فیلترینگ یک مطالبه ملی است و آن دسته قلیلی که هنوز بر طبل فیلترینگ و محدودکردن بیش‌ازپیش فضای مجازی می‌کوبند، روندی علیه این مطالبه ملی پیش گرفته و مثل همیشه خواسته‌های مردم ارزشی برای آنها ندارد. هنوز در کشور ما نهادینه نشده که نظر جمع بر نظر اقلیت ارجح است و اقلیتی حق ندارند با این استدلال که ما بهتر از شما فکر می‌کنیم و ما خیر شما را می‌دانیم و خودتان خیرتان را نمی‌دانید، برای افراد دیگر آن هم در سطح ملی تعیین‌تکلیف کنند.

چندسالی است که متولیان رسانه‌های جریان اصلی کشور –صداوسیما

و خبرگزاری‌های بزرگ– برنامه‌های خود را بر مبنای جنگ روایت‌ها تنظیم می‌کنند. آنها معتقدند جنگ روایت‌ها خوراک تفکر جنگی

قدرت‌های سلطه‌گر را شکل می‌دهد و بر فریب مردم جهان و آرام‌سازی ذهنیت برای تداوم سلطه دلالت دارد. در سئند استراتژی پنتاگون به جنگ ابده‌ها و روایت‌ها در عصر بی‌نظمی حاصل از اینترنت اشاره شده است؛ چراکه جریانی در عرصه فکری و ذهنی پیروز است که بتواند روایت بسازد، کنترل آن را به دست گیرد و روایت خود را تثبیت کند. کسی که روایت اول را ارائه دهد و تثبیت کند، چه از ایدئولوژی و چه از اتفاقات جاری، افکار را تصاحب کرده و می‌تواند سیاست‌های خود را بر آنها تحمیل کند. سؤال اینجاست که چرا این رسانه‌های حاکمیتی، با وجود برخورداری از بودجه‌های کلان دولتی و داشتن امکانات و تجهیزات کافی، در این جنگ همیشه ناکام هستند؟ در افکار عمومی، اعتماد چندان به روایت رسمی وجود ندارد و رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی، عنان جنگ روایت‌ها را در دست دارند و نقش استراتژیک در کنترل افکار عمومی داخلی به‌ویژه در شهرهای بزرگ ایفا می‌کنند. آیا درباره دلایل شکست صداوسیما و رسانه‌های بزرگ دولتی، تحقیق شده است؟ آیا متولیان این رسانه‌ها، اصلا قبول دارند که در این جنگ مغلوب شده‌اند و در بی‌یافتن راه‌حل برآمده‌اند؟ چرا هر سال که می‌گذرد، وضعیت رسانه ملی و خبرگزاری‌های عمده کشور، به جای بهبود، بدتر و وخیم‌تر می‌شود؟ این واقعیت است که در دنیا امروز، یک رسانه حرفه‌ای هیچ خبر یا تصویر و فریمی را بی‌هدف تولید نمی‌کند. آنها ابتدا یک روایت را می‌سازند و خط خبری و تحلیلی خود را بر مبنای آن تنظیم می‌کنند، اما مسئله‌ای که برای متولیان رسانه‌های بزرگ ما مغفول مانده، بحث اعتبار رسانه و اعتماد مخاطب است. اگر مرور کوتاهی بر تحلیل‌های ارائه‌شده از شبکه‌های تلویزیونی رسانه ملی درباره مقاومت داشته باشیم، به‌راحتی متوجه می‌شویم که خلا جدی تحلیلگران برجسته و توانمند کشورمان را کسانی در قاب تلویزیون بر کرده‌اند که ظرفیت اطلاق عنوان تحلیلگر را ندارند و با ارفاق شاید بتوان آنها را به‌عنوان عوامل پروپاگاندا و تبلیغات سیاسی شناخت. کاش کسی بتواند اجازه پیدا کند و تحلیل محتوای علمی، درباره خط



قالیبافی در منطقه خوبی به گفته مورخان از قدمتی ۷۰۰ساله برخوردار است. متأسفانه افزایش قیمت مواد اولیه در بازارهای داخلی، توسانات نرخ ارز، افزایش دستمزدها، عدم بازاریابی مناسب برای این صنعت در کنار مشکل بیمه قالیبافان ازجمله مشکلاتی است که روند تولید و فروش فرش این منطقه را با مشکل روبه‌رو کرده است. فرش ریز ماهی خوی در سال ۱۳۸۸ ثبت ملی شده و در سال ۱۳۹۲ نیز به ثبت جهانی رسیده است. عکس: عرفان کوجاری، تسنیم

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

راز شکست در جنگ روایت‌ها

برای کسب اعتبار بیشتر، حتی منافع کوتاه‌مدت خود را قربانی می‌کنند. مردم اطلاعات و دانش سیاسی خود را از رسانه‌ها به دست می‌آورند و این اطلاعات، مبنای دیدگاه‌ها، نگرش‌ها و در نهایت رفتار سیاسی آنها می‌شود. مردم فهم بینارسانه‌ای دارند و محتوای رسانه‌های مختلف را با هم مقایسه می‌کنند و اگر سیاست‌گذاران، این تعدد و تکثر منابع را درک نکنند، در بهترین حالت موجب ریشخند مخاطبان خواهند شد. اعتماد، سرمایه‌ای اجتماعی است که بساختن آن خشت به خشت، زمان‌بر و پرهزمت است، اما تخریب این اعتماد به چشم برهم‌زدنی اتفاق می‌افتد. روایتی که فاقد صداقت کافی باشد، هیچ‌گاه روایت غالب نمی‌شود و درعین‌حال رسانه را بی‌اعتبار می‌کند.

اگر کسی مدعی نفوذ دشمن و اقدام برای تخریب عمادانه اعتماد مردم در حوزه سیاست‌گذاری رسانه‌ای شود، نمی‌توان او را ملامت کرد. رویکرد سیاست‌گذاران برخی رسانه‌های بزرگ و وابسته در مصاف با امپریالیسم رسانه‌ای، نادرست و در راستای مخالفت با مصالح نظام بوده است. روایتی که رسانه بزرگی مثل صداوسیما دارد، نه‌تنها مخاطب را قانع نمی‌کند، بلکه اعتبار رسانه را بر باد می‌دهد که در بزنگاه‌های حساس تاریخی، وقتی خبر و تفسیر درستی هم داشته باشد، مردم باور نکنند. برای بهبود عملکرد خبری رسانه‌های جریان اصلی، افزایش استقلال حرفه‌ای خبرنگاران اهمیت دارد. به خبرنگاران اجازه داده شود تا بدون دخالت‌های غیرضروری، اخبار را پوشش دهند و دیدگاه‌های خود را بیان کنند. باید برنامه‌های گفت‌وگومحور با حضور کارشناسان و صاحب‌نظران واقعی و با دیدگاه‌های گوناگون برگزار شود. لازم است که مطالعات دقیق برای شناخت نیازها و علایق مخاطبان و تولید برنامه‌های متناسب با آنها انجام شود. باید رعایت استانداردهای بین‌المللی روزنامه‌نگاری در پوشش اخبار و رویدادها، الزامی شود.

ممکن است برخی از افراد و گروه‌ها، در برابر تغییرات مقاومت کنند و فشارهای سیاسی هم مانع از اجرای این راهکارها شود، اما مسئله این است که کسی باید مسئولیت غلبه دشمن در جنگ روایت‌ها و وضعیت افکار عمومی را گردن بگیرد. صداوسیما و خبرگزاری‌های بزرگ، برای موفقیت در جنگ روایت‌ها و افزایش اعتبار خود و اعتماد مخاطب، نیاز فوری به اصلاح عمیق در رویکردشان دارند.

تجربه‌خوانی

ما برای وقت احترام بیشتری می‌گذاریم؟

دهد. در نهایت نوری بیلکه‌جیلان، در موردش زیاد گفته‌اند و نوشته‌اند، اینجا از او نمی‌خواهم بگویم، از برنامه‌ریزی برای برگزاری این ایونت می‌گویم که همه چیز به غایت عالی برگزار شد. کیوان کثیریان گفت اینکه سینماگران بیابند و پای صحبت‌های همکارشان بنشینند، پدیده‌ای جدید است. برای من که سینماگر نیستم و فقط علاقه‌مند به سینما هستم، آن‌هم از نوع سینمای کیارستمی (البته خیلی علاقه‌مند و بیگیر). وقتی دوستان پرسیدند برنامه چطور بود؟ گفتم واقعا باشکوه؛ نه از حیث تجملات بلکه از زوایای هنری–انسانی؛ حضور باشکوه آدم‌های علاقه‌مند و متخصص و دانشجویان کنار هم.

تجربه چهارم: قرار بود در کنار تیمی کاربلد چندروزی درباره شهر و داستان بشنویم. دیگر از نظم و برنامه‌ریزی تعجب نمی‌کردم. هنوز شگفت‌زده سه برنامه قبل بودم. اما وقتی اتوبوس رأس ساعت هفت، همان که فرامان بود، از ترمینال بیهقی خارج شد؛ وقتی تمام این سه روز برنامه همان‌طور که گفته شده بود، انجام شد؛ وقتی دقیقه‌ای وقت تلف نشد بی‌نظمی نداشت؛ وقتی سیامک گلشیری باوریونیت‌های ارائه‌اش را از قبل آماده کرده بود و مطابق با موضوع، با منبع توضیح می‌داد؛ وقتی با حامد صفری خیابان جعفریان را قدم زدیم و کنار هر کتاب‌فروشی تعطیل‌شده، قسه‌هایش را برآیمان تعریف کرد؛ وقتی علی خدایی آمد و فقط همان چیزی را گفت که موضوع نشست بود و تکه‌هایی از قسه‌هایش را خواند که مکمل همان حرف‌ها بود. گفتم ما آدم‌های بهتری شدایم. در سمینار خودکشی اسم دکتر پیروی مرتب تکرار می‌شد، در ایران گرین نام شریف نظام‌مافی، در شکوه سینما نام ستانه مهاجر و در شهر و داستان نام مریم کهن‌سال نودهی. راست بود؛ شیت این همه تلاش و هماهنگی همیشه یک نفر هست که همراه یک تیم کاربلد و متعهد به کار، تلاش می‌کند. اما من نتیجه می‌گیرم ما در کل آدم‌های بهتری شدیم. ما نظم و برنامه‌ریزی را یاد گرفتیم. ما یاد گرفتیم برای وقت و انرژی آدم‌ها و برای شعور مخاطب احترام قائل شویم. ما یاد گرفتیم به حرف‌های هم گوش بدهیم، همدیگر را بشنویم، وسط حرف هم نپریم و هم ر قضاوت نکنیم. اگر این اسمش رشد نیست، چیست؟

یاد

باید از سعید بگویم



آروین*

باید از سعید بگویم، سعید درمبخش، گرچه سالگرد درگذشت استادم کامبیز درمبخش هم هست. بیش از ۴۰ روز از رفتن سعید درمبخش می‌گذرد، اما این دو بزرگوار اگر نسبتی فامیلی هم داشته باشند که حتما دارند، اما نسبت نزدیک‌ترشان کارتون است و کاریکاتوری، روح کامبیزمان شاد و یادش که تا ابد گرامی، اما سعید همان سال که کامبیز جلای وطن کرد و به ناچار به کشور مطبوعه همسر خیلی عزیزش، هلگا، به آلمان رفت و کارش را در حوزه کارتون با مطبوعه آن سوی وطن ادامه داد، سعید ایران ماند. کامبیز سیاسی نبود دیگر، اما سعید بیشتر حرف‌هایی داشت. با شیوع انقلاب، به قول خودش قلم را غلاف کرد و به کار خودش پرداخت. همان هنر معماری که در دانشکده هنرهای زیبا خوانده بود. کتاب‌هایی هم از کارتون‌هایش چاپ کرد. آن اوایل انقلاب اما به زندگی ادامه و دوام داد. تا همچنان روزی که شمس‌الواعظین روزنامه جامعه را راه انداخت و مدیریت هنری‌اش را داد به استاد عزیزم، احمدرضا دالوند. او سستونی را در روزنامه تعصیه دیده بود تا بستری باشد برای بسیاری کارتونییست زنده و شاید فراموش‌شده، چه کار بزرگی کرد تا هر روز طرحی در میان باشد. طرحی بی‌کلام. طرحی با خطوطی ساده. او داوود شهیدی را پیدا کرد. او بسیاری را خیر کرد، از جمله



سعید درمبخش، دالی یا همان دالوند مرد باهوشی بود و تیم تصویرگر و هنرمند رسانه‌شان را درست بست. من سعید را از همان روزها می‌شناسم. مردی خمیده که آثاری پرمعنی و پر از سکوت ارائه می‌داد. سکوتی که تو را به فکر وامی‌داشت تا به مکتبی بدانی و کنجکاو شوی چه می‌گوید. سعید درمبخش را آنجا شناختم. دو سال بعد با تعطیلی مطبوعات خودی، نمایشگاهی برپا کردم و افتخار این را داشتم که کارهایی از سعید درمبخش را در مجموعه‌مان داشته باشم. آثاری منتخب و درجه‌یک که در گالری آتیین اردیبهشت ۱۳۷۹ به نمایش درآمد.

سعید درمبخش در حوزه تخصصی‌اش معماری آثار ارزنده‌ای به جا گذاشته است و این اواخر که با چوب‌کار می‌کرد، سازه‌هایی با مزینان منحصربه‌فردی در ایران و دیگر نقاط دنیا از خود به جا گذاشت. حتی آن اثرش که در نمایشگاه هشتادودو میلیون که در سال ۱۴۰۰ برگزار کردم و به لطف دوستان حذف شد را در قابی چوبی ارائه داد؛ قابی که خودش ساخته بود. قدر سعید را کمتر دانسته‌اند و وظیفه من است که بگویم کدام کارتونییست اولین بار در اسفند ۶۹ پایش را به کافه شوکا گذاشت و یادی کنم از احمدرضا دالوند که به هردو درمبخش در مطبوعات فرصت ظهوری دوباره را داد.

باری، افسوس خوردم در مسجد یا بر سر مزارش که هیچ کارتونییستی نبود در کنار همه زعما و عزیزانش. این شد که حرف مداح مسجد را بریدم و به پشت تریبونی رفتم تا به حضار این مواردی را یادآور شوم که اکنون گفتم، روش‌ش شاد، آرتیستیک، کارتونییست و هنرمندی از بهر وطن، سعید درمبخش.

♦ داود احمدی‌مونس، کارتونییست



۳۰ درصد

تعرفه واردات آیفون اعلام شده و طبق آن قرار است برای ورود تجاری آن ۱۵ درصد و برای ورود مسافری ۳۰ درصد تعرفه در نظر گرفته شود.
سیدکامل تقوی‌نژاد، دبیر هیئت دولت، اعلام کرد: «با مصوبه هیئت دولت، حقوق ورودی گوشی آبل در سال جاری برای گوشی‌های بالای ۶۰۰ دلار مطابق قانون بودجه در رویه تجاری ۱۵ درصد و در سایر رویه‌ها ۳۰ درصد تعیین شد. همچنین برای گوشی‌های ابل ۶۰۰ دلار و پایین‌تر حقوق ورودی در رویه تجاری ۵ درصد و در سایر رویه‌ها شش درصد تعیین شد.»

۳۰۰ هزار کیلومتر

محمدباقر قالیباف در همایش مسکن گفت: سؤال این است که آیا پس از ۴۵ سال توانستیم مشکل مسکن را حل کنیم که قطعا پاسخ آن خیر است. حتی سرمایه‌ها را در زمین‌هایی دفن کردیم و چند میلیون مسکن وجود دارد اما احتکار کردیم و خالی هستند و در مقابل چند میلیون خانواده، خانه ندارند».
او در بخش دیگری از سخنانش پیشنهاد داد: «۳۰۰ هزار هکتار از ۱۵ میلیون هکتار زمین خالی را به مردم واگذار کنیم مشکل مسکن حل می‌شود. زمین‌های خالی در اختیار سازمان زمین و مسکن دو برابر بیشتر از زمین‌هایی است که در آن مسکن ساختیم!».

۱۲۳۳ میلیارد تومان

بانک سرمایه با افشای سندی تحت عنوان مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم مستند به ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری از رای قطعی دادگاه درباره حسین هدایتی دولابی و سیدمهدی موسوی نژاد خیر داد. براساس این سند، برای هزارو ۲۳۳ میلیارد تومان از مطالبات غیرجاری مربوط به حسین هدایتی دولابی و ۱۵۳ میلیارد تومان از مطالبات مربوط به سیدمهدی موسوی نژاد رای قطعی دادگاه صادر شده است. حسین هدایتی دولابی از مدیران سابق باشگاه پرسپولیس و استیل‌آدین است که به پرداختی‌های نامتعارف در فوتبال شهرت دارد.